

آیا سه سال، زمانی کافی برای خواندن و فهمیدن نبود؟

یادداشت‌های شتابزده شماره دو - ۲۰۱۲، مهره‌ای بر صفحه شطرنج، قسمت دوم همایون ایوانی

یادداشت‌های شتابزده شماره دو - ۲۰۱۲،

مهره‌ای بر صفحه شطرنج، قسمت دوم

آیا سه سال، زمانی کافی برای خواندن و فهمیدن نبود؟

بعد از گسترش اعتراضات و نقد ناروشنی‌های سیاسی و مالی جریان‌های محافظه‌کار و نئولیبرال که در برگزاری تریبونال لندن نقش بازی کردند؛ متحدین شرمگین دست راستی‌های حزب جمهوری خواه آمریکا، محافظه‌کاران انگلیسی و یا لیبرال‌های هلندی، به جای پس گرفتن مواضع خطرناکشان در قبال جنبش پیشروی آزادی‌خواهی و عدالت‌جویی در ایران، به جای تقویت جنبش دادخواهی و حمایت از مواضع خانواده‌ها، بازماندگان و نیز زندانیان سیاسی جان‌بدربرده از کشتارهای رژیم جمهوری اسلامی، بازهم خودشان را در قهقرای دروغ و پخش اطلاعات تخریبی و ناصحیح غرق می‌کنند.

من در این نوشته فقط به یکی از آشکارترین دروغ‌هایی که از سوی مدافعین همکاری با جریان‌های نئولیبرال و محافظه‌کار طرح می‌شود، می‌پردازم. در بحث‌های داخلی و یا بیرونی چند هفته اخیر، مداوم تکرار می‌شود که این نقاط ضعف و انحراف آشکار تریبونال بایستی قبلاً اعلام می‌شد و در این چند سالی که تریبونال خزانده به کارهای خودش مشغول بود، هیچ اعتراض و نقدی به آن نشده است! این دروغ بزرگتر از آن است که نئولیبرال‌ها و یا محافظه‌کاران به آن پناه ببرند. ولی برای مهره‌های دست چپم گسسته از اردوی چپ سنتی هنوز کاربرد دارد. آنان که در آرزوی معامله با قدرتمندان جهان سرمایه به هر فلاکتی تن می‌دهند، مداوم در استدلال خود دست به دامن چنین استدلال سخیفی می‌شوند. یکی از نمونه‌های آن را که به صورت علنی منتشر شده است، در زیر می‌آورم. مصاحبه‌کننده صفحه گزارشگران و مصاحبه شونده بهرام رحمانی است:

«گزارشگران: برخی از افراد و جریان‌های سیاسی انتقادات تیز و تندى به برگزارکنندگان و جریان‌های حامی آن‌ها کرده اند. ارزیابی شما از این خرده‌گیری‌ها چیست؟»

بهرام رحمانی: من به تجربه، همواره نقدهای صمیمانه و دوستانه را بیش تر موثر دیده ام تا امر و نهی کردن‌های به اصطلاح تند و تیز و غیرمسئولانه. بخصوص برخی ادعاهایی کرده اند و مسائلی را به تریبونال نسبت داده اند که در این پنج سال فعالیت تریبونال، حتی چند روز قبل از آن نیز وجود نداشت. خود این مساله و زمان برای هرگونه نقدی تعیین کننده است. کسی چنین نقدهایی را جدی نمی‌گیرد حتی اگر هم در آن حقیقتی نهفته باشد. «[۱] (تاکید از من است)

شبهه همین گریزهای به جلو، برای خلاصی از قافیه تنگی که در آن گرفتار آمده‌اند، به عنوان استدلال، در رسانه‌های دیگر نیز تکرار می‌شود. تکرار چنین دروغی، به این امید صورت می‌گیرد که مخاطبین را مرعوب کنند تا از جستجوی بیشتر درباره سرمنشاء حقیقی چنین حرکتی دست بردارند. نقد چنین روندی، به روش‌های مختلف، حداقل از سه سال پیش آغاز شده است. در تمام مدت، این نوشته‌ها با سکوت و سانسور رسانه‌های فارسی زبان امپریالیستی و ارتجاعی روبرو بوده، و علاوه بر این طیف دست راستی و نئولیبرال نیز با چنین نقدهایی میانه خوشی نداشته و ندارند. از اولین مواردی که به پلمیک آشکار در مورد کنسپت فعالیت بین‌المللی و مسئله «دادگاهی کردن جمهوری اسلامی»^[ii] پرداخته است، می‌توان به مقاله «سرکوب در ایران و فعالیت در عرصه بین‌المللی» مورخ ۲۴ مارس ۲۰۰۹ اشاره کرد. این نوشته به بحث‌های تدارکاتی برای برگزاری سومین گردهمایی سراسری درباره کشتار زندانیان سیاسی در ایران^[iii] اختصاص داشت.

توجه می‌دهم که این نوشته در آغاز سال ۲۰۰۹ انتشار یافته و بحث تا سال ۲۰۱۲ از سوی طرفداران مماشات با دولت‌های اروپایی و آمریکایی مسکوت گذاشته شده است. این نوشته بیرونی و علنی، حاصل بحث‌های درونی‌ای بود که از سال‌های قبل داشتیم. فعالیت‌های لابیگری رژیم جمهوری اسلامی و نیز اپوزیسیون دست راستی و ارتجاعی ایرانی، نخست در آمریکا و کانادا به وضوح به قلع و قمع اپوزیسیون چپ و مدافعین پیگیر حقوق بشر پرداخته بود و سپس در روند سیاست «جهانی سازی»، هجوم به اپوزیسیون چپ و کمونیستی ایران در اروپا را نیز تدارک می‌دید.

خبرهای داخلی بسیاری در این مدت به دست ما می‌رسید و از جمله پیشنهاد همکاری با «مرکز اسناد حقوق بشر ایران» از سوی یکی از فعالین ایرانی برای ما به تاریخ Sunday, 17 May, 2009 8:15 PM ارسال شد (متن ای میل موجود است). امضاکننده نامه حقوقدانی به نام «حبیب رهیاب» بود و متن کامل نامه او که به دست بسیاری از زندانیان سیاسی سابق و خانواده‌های جانفشانان و جانبختگان رسیده است را در پایان همین نوشته به عنوان سند نقل خواهم کرد. او به روشنی در این نامه می‌نویسد: «...وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا یکی از منابع عمده تمویل کننده مرکز می‌باشد... رابطه‌ای که میان مرکز و وزارت خارجه آمریکا وجود دارد دقیقاً از نوع رابطه‌ای است که میان مجمع کمک دهنده و دریافت کننده وجود دارد.»

در تماس‌های متعدد با خانواده‌های جانفشانان و جانبختگان و نیز زندانیان سیاسی سابق، ما، به عنوان بخشی از طیف چپ و رادیکال زندانیان سیاسی ایران، هرگونه تماس و همکاری با این گونه مراکز را رد کردیم. و به عزیزانی که خطرات این گونه همکاری را برای آینده جنبش دادخواهی جدی نمی‌گرفتند، هشدار دادیم. با گسترش هجوم سرمایه جهانی برای انحطاط کشیدن اپوزیسیون چپ ایران در اروپا، علاوه بر بحث‌های دیگر، مشخصاً در تدارک کنفرانس بین-المللی کپنهاگ در سال ۲۰۱۰، مقاله دیگری در تاریخ ۳۱ ژانویه ۲۰۱۰، مستقیماً بر روی وضعیت نهادهای نئولیبرال و محافظه‌کار نظیر مرکز اسناد حقوق بشر، بنیاد برومند و نظایر آنها دست گذاشته شد^[iv].

لیستی از موسسات ایرانی که کمک مالی از بنگاه NED در سال ۲۰۰۸ گرفته بودند، در آن نوشته ذکر شده است:

۱. بنیاد عبدالرحمن برومند برای پیشبرد حقوق بشر و دموکراسی در ایران (بنیاد برومند): ۱۴۰۰۰۰ دلار
۲. انجمن جامعه مدنی در ایران: ۸۰۰۰۰ دلار
۳. مرکز بین‌المللی پیام انترپرایز: ۱۴۱۷۹۳ دلار

۴. طرح تحقیق و پژوهش ایران معاصر: ۸۷۰۰۰ دلار

علاوه بر این، در مقاله فوق الذکر، اطلاعات بیشتری در مورد مرکز اسناد حقوق بشر و نیز بنیاد برومند ذکر شده است. حال برگردیم به پرسش معنادار مسئول صفحه گزارشگران

«گزارشگران: برخی از افراد و جریان های سیاسی انتقادات تیز و تندى به برگزارکنندگان و جریانات حامی آن ها کرده اند. ارزیابی شما از این خرده گیری ها چیست؟» (تاکید از من است)

بهر روز سورن، مسئول صفحه گزارشگران، همه این اسناد و مدارک را نادیده می گیرد. و آنها را «خرده گیری»!!! می نامد! به نازم به چنین بزرگ طبعی ای از سوی صفحه گزارشگران! این همه سند نشان می دهیم، بیش از سه سال استدلال می کنیم، همه اش «خرده گیری» است؟! قسم حضرت عباس شما را قبول کنیم یا دم خروس را؟ شما که در مقالاتتان از دروازه رد نمی شوید، چگونه روی این همه سند پا می گذارید؟ فقط به خاطر اینکه خودتان هم در لندن بودید؟ نمک گیر نشوید عزیزم، کج بنشیند و راست حرف بزنید!

پاسخ بهرام رحمانی، هم خودش تکمیل چنین سبکی از پرسش است!

«بهرام رحمانی: من به تجربه، همواره نقدهای صمیمانه و دوستانه را بیش تر موثر دیده ام تا امر و نهی کردن های به اصطلاح تند و تیز و غیرمسئولانه. بخصوص برخی ادعاهایی کرده اند و مسائلی را به تریبونال نسبت داده اند که در این پنج سال فعالیت تریبونال، حتی چند روز قبل از آن نیز وجود نداشت. خود این مساله و زمان برای هرگونه نقدی تعیین کننده است. کسی چنین نقدهایی را جدی نمی گیرد حتی اگر هم در آن حقیقتی نهفته باشد.» [v] (تاکید از من است)

نخست: بهرام رحمانی که طبع نوشتن روانی دارد، حتما طبع خواندنش به روانی، مقاله نویسی و مصاحبه کردنش نیست! عزیزم، از سال ۲۰۰۹ داریم می نویسیم. شما آنها را نخوانده ای؟ یا نخواستی بخوانی؟ اگر نمی دانستی، حالا که می دانی، لطفا فاکت های نادرست را تصحیح کن. جمله درست این نیست: مسائلی را به تریبونال نسبت داده اند که در این پنج سال فعالیت تریبونال، حتی چند روز قبل از آن نیز وجود نداشت

حقیقت و فاکت غیرقابل انکار این است که مسائلی که به تریبونال، مرکز اسناد حقوق بشر، پیام اخوان نسبت داده اند، سالهاست که گفته شده است. رسانه های حاکم، وقیح و صریح ما را سانسور کرده اند. شما چرا با بورژوازی دستپاچه می کنی؟ شما چرا فاکت های غیرقابل انکار را نفی می کنی؟ شما به طور مداوم برای صفحه گفتگوهای زندان مطلب ارسال کرده ای، پس نمی توانی بگویی، گفتگوهای زندان و فعالینش را نمی شناسی.

دوم: مبنای دفاعیه شما این است که «...مساله و زمان برای هرگونه نقدی تعیین کننده است» حال، پایه دفاعیه شما لنگ می زند. چرا سه سال جلوی هرگونه بحث سازنده و جدی درباره ماهیت این حرکت گرفته شد؟ آیا تجربه تشکل ها و افرادی که از این سناریوی ساخت آلترناتیوهای نتولیبیرال و محافظه کار جدا شدند را نشنیدید؟ مگر نگفتند که در چارچوب این حرکت امکان هیچ تاثیرگذاری نیست؟ همه چیز از جای دیگری که خودشان هم نمی دانستند، کجاست، هدایت می شود؟ آری، زمان برای نقد این حرکت بود، شما آن را درست استفاده نکردید.

سوم: خوب است که جای در رفتن برای خودتان گذاشته اید! «کسی چنین نقدهایی را جدی نمی گیرد حتی اگر هم در آن حقیقتی نهفته باشد.» بالاخره حقیقتی در آن نهفته است یا نه؟ بالاخره سیاست امپریالیستی و ارتجاعی را در لابلای بودجه های کلان سرمایه جهانی می بینید یا نه؟ چرا فکر می کنید با ترور نظر دیگران، با این عبارت که «کسی چنین نقدهایی را جدی نمی گیرد»، کسی به صدای اعتراض طیف چپ و رادیکال زندانیان سیاسی ایران گوش فرا نمی دهد؟

آیا سه سال، زمانی کافی برای خواندن و فهمیدن نبود؟ ما گفتیم ولی گوش شنوایی نبود.

همایون ایوانی

۱۵,۰۷,۲۰۱۲

ضمیمه

متن نامه حبیب رهیاب که در تاریخ Sunday, 17 May, 2009, 8:15 PM ارسال شده است:

جناب آقای ... سلام

احترامات صمیمانه من را بپذیرید. بگذارید مجدداً از شما بخاطر همکاری تان با من در شفاف سازی کشتار سال ۱۳۶۷ ابراز سپاس نمایم. من نگرانی آن عده دوستانی که در سال ۱۳۶۷ در زندان بوده اند را در رابطه به تهیه این گزارش درک می کنم و به آن احترام می گذارم. جهت توضیح مسئله می خواهم نکات ذیل را ابراز دارم.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران یک نهاد کاملاً مستقل، غیر وابسته، غیر انتفاعی و غیر سیاسی می باشد. این نهاد در اواخر سال ۲۰۰۴ میلادی در شهر نیویورک ایالت کانتیکات آمریکا توسط تعدادی از حقوقدانان و اساتید لیبرال تاسیس شد که در دانشگاه های معتبر آمریکا و کانادا مانند هاروارد، ییل، و مک گیل تدریس می کنند. دوستان می توانند معلومات بیشتر را راجع به هیئت امنا مرکز اسناد حقوق بشر ایران در این وبسایت بدست

آورند <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/Persian/BoardMembers.htm>. مرکز اسناد از بدو تاسیس خود تا به امروز گزارش های زیادی را به زبان انگلیسی و فارسی به نشر رسانده است. گزارش های انگلیسی در این آدرس <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/English/reports.htm> و گزارش های فارسی در این آدرس <http://www.iranhrdc.org/httpdocs/Persian/Reports.htm> قابل دریافت می باشند. بعلاوه، مرکز اسناد مجموعه عادل را که در بر گیرنده اسناد تاریخ ایران می باشد جمع آوری کرده است که علاقمندان می توانند از آن برای تحقیق آنلاین به زبان فارسی و انگلیسی استفاده کنند.

مرکز اسناد حقوق بشر ایران یک مجمع کوچک با بودجه محدود می باشد که از بدو تاسیس خود تا به امروز بیشتر از ۸ کارمند دائمی نداشته است. همه امکانات مادی این نهاد برای تهیه گزارش ها و حفظ مجموعه عادل مصرف می شود. با آن که وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا یکی از منابع عمده تمویل کننده مرکز می باشد، اما مرکز توانسته است از بنیاد های غیردولتی و افراد نیز امکانات جمع آوری نماید. مرکز از هیچ نهادی که از یک ایدئولوژی خاص حمایت کند و یا خواستار حمایت از پالیسی های خاصی باشد امکانات نمی گیرد. بعلاوه، مرکز یافته ها و هویت مصاحبه شونده گان و معلومات بدست آورده خود را با هیچ نهادی مشترک نمی گزارد. رابطه ای که میان مرکز و وزارت خارجه آمریکا وجود دارد دقیقاً از نوع رابطه ای است که میان مجمع کمک دهنده و دریافت کننده وجود دارد. تدوین دو گزارش حقوقی برای شفاف سازی کشتار زندانیان در سال ۱۳۶۷ مثال خوبی برای تثبیت بیطرفی، عدم جهت گیری سیاسی و استقلال کاری این مرکز می باشد.

هدف مرکز مستند سازی تخطی های حقوق بشر در ایران می باشد و می خواهد با این کار به شناسایی افراد مجرم و اشاعه فرهنگ پاسخگویی در ایران کمک رساند. همه گزارش های مرکز با دقت توسط وکلای حقوق بشر بعد از یک پروسه تحقیق و مصاحبه با شاهدان عینی و صاحب نظران تدوین می شوند و همه ای مستندات گزارش با تفصیل پانویسی می شوند تا گزارش ها به عنوان یک سند حقوقی در دادگاه قابل پذیرش باشند.

جا دارد در اینجا به شکل فشرده به معرفی خودم نیز بپردازم. من فارغ التحصیل دانشکده حقوق از هاروارد (آمریکا) و بلخ (افغانستان) می باشم. از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴ کارمند دیده بان حقوق بشر در افغانستان و پاکستان بوده ام. در این مدت بعلاوه افشای تخطی های حقوق بشر که جنگ سالاران و دولتمردان افغان مرتکب آن می شدند، من به مستند سازی نقض حقوق بشر نیروهای ائتلاف بین المللی تحت رهبری آمریکا در افغانستان نیز پرداخته ام. من با اولین دسته از

زندانیان آزاد شده از گوانتانامو و زندان بگرام مصاحبه های در افغانستان و پاکستان انجام داده ام. یافته های من شبیه آن تخطی های بود که بعداً در زندان ابوغریب عراق دیده شد. این بخش از یافته های من در گزارش دیده بان حقوق بشر بنام "آزادی پایدار و یا Enduring Freedom" به نشر رسید که به افشاء تخطی های نیروهای امریکایی در افغانستان می پردازد. من در سال ۲۰۰۵ برترین جایزه دیده بان حقوق بشر را بخاطر فعالیت های حقوق بشری ام دریافت کردم. اما این فعالیت ها بالاخره زندگی ام را به مخاطره انداخت و من یکی از اعضای فامیلیم را از دست دادم و ناچار شدم در امریکا پناهنده شوم. در آنجا عضویت انجمن دانشمندان در خطر Scholar At Risk را دریافت داشتم و مدتی به عنوان محقق در دانشگاه هاروارد و انستیتیوت تکنالوژی ماساچوست کار کردم. بعد از فراغت از دانشگاه حقوق هاروارد در سال ۲۰۰۷، من همکاری ام را با مرکز اسناد حقوق بشر ایران آغاز کردم و از آن زمان تا الان چندین گزارشی را کار کرده ام. یکی از گزارش های که من جداً علاقمند مستند سازی آن بودم، همین گزارش کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ بود و خوشوقت که بالاخره زمینه کارم بر آن فراهم شده است.

همه ما می دانیم که یک پرده ای از راز و بی تفاوتی کشتار سال ۶۷ را فرا گرفته است. دولت ایران آن را کتمان و جامعه بین المللی آن را با سکوت بدرقه می نماید و سازمان های بین المللی حقوق بشر نیز سکوت جامعه بین المللی را با دادن اعلامیه های گاهی می خواهد بشکناند. اما اقدام جدی برای مستند سازی این فاجعه تا هنوز از سوی کدام نهاد بین المللی حقوق بشر صورت نگرفته است. البته، تلاش های مهمی که از سوی بازمانده گان این فاجعه تا هنوز شده است جای قدردانی است، اما برای درهم شکستن سیاست کتمان دولت اسلامی و سکوت جامعه بین المللی تلاش های بیشتری نیاز است. کار که ما می خواهیم انجام بدهیم در خدمت همین هدف قرار دارد. ما می خواهیم با مستند سازی دقیق این فاجعه و نشر آن در دو گزارش حقوقی همراه با نهاد های فعال دیگر در این زمینه همصدا شویم و توجه عمومی را به دامنه کشتار زندانیان سال ۱۳۶۷ جلب داریم و آنان را از مشکلات خانواده های که تا هنوز نمی توانند یادی از عزیزان از دست رفته شان نمایند مطلع سازیم. امیدوارم دوستان در این زمینه ما را یاری رسانند.

اگر دوستان سوالات دیگری در باره مرکز اسناد حقوق بشر ایران و هدف مرکز از تهیه این گزارش داشته باشند لطفاً ما را در جریان بگذارند. من با کمال میل به سوالات آنان پاسخ خواهم داد. در اخیر می خواهم مجدداً از شما بخاطر همکاری تان با من ابراز سپاس نمایم. من چشم به راه همکاری دوستان برای شفاف سازی این کشتار می باشم.

با درود فراوان

حبیب رهیاب

http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews%5Btt_news%5D=17724&tx_ttnews%5BbackPid%5D=23&cHash=ecf5e89a79398ac9082355bef58e42f8

www.dialogt.org/2009/gerdehamaii2009/yaddasht2.html ^[ii] سرکوب در ایران و فعالیت در عرصه بین المللی، همایون ایوانی، ۲۴ مارس ۲۰۰۹

<http://dialogt.org/index.php?id=116> ^[iii]

dialogt.org/2010/yaddashtha_1_30.pdf ^[iv] پیگرد و مجازات مسببین کشتار و شکنجه، همایون ایوانی، ۳۱ ژانویه ۲۰۱۰،

dialogt.org/2010/yaddashtha_1_30.pdf

[1\[v\] http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews%5Btt_news%5D=17724&tx_ttnews%5BbackPid%5D=23&cHash=ecf5e89a79398ac9082355bef58e42f8](http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews%5Btt_news%5D=17724&tx_ttnews%5BbackPid%5D=23&cHash=ecf5e89a79398ac9082355bef58e42f8)

Weitere Artikel in dieser Kategorie

- [...نسخه پی دی اف: آیا سه سال، زمانی کافی برای خواندن و فه](#) 15.07.2012 21:36
- [پاسخ نهائی به مسئولین «ایران تریبونال» وزیر فتحي](#) 26.06.2012 22:53
- [مهره ای بر صفحه شطرنج](#) 26.06.2012 21:40
- [پیشگفتار کتاب: سازماندهي شبکه ای و رسانه آلترناتیو](#) 21.06.2012 01:55
- [چپ در خاورمیانه: چشم اندازهای رهایی](#) 21.06.2012 01:52
- [در کنار شکنجه شدگان تبعیدی](#) 21.06.2012 00:20
- [در کنار شکنجه شدگان تبعیدی \(Kopie 1\)](#) 10.06.2012 17:52
- [متن حکم خمینی برای کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷](#) 10.06.2012 13:04
- [مالا - کتاب خاطرات زندان محمد خوش ذوق](#) 14.03.2012 00:33
- [تلاش برای کشتار اندیشه](#) 14.03.2012 00:30
- [منطقه یورو و سرمایه آلمانی-فرانسوی](#) 18.10.2011 23:09
- [...پاسخ همایون ایوانی به نظر خواهی گزارشگران از فعالین سیاس](#) 06.08.2011 21:30
- [اعتصاب غذا: گذشته و حال](#) 21.09.2005 21:53
- [خود ویژگی زندان زنان](#) 21.09.2005 21:45
- [به دنیای شکنجه خوش آمدید!؟](#) 02.01.2004 22:09
-